



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۸ ۶ اردیبهشت ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۲۶ آوریل ۲۰۲۳ ترسای
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶



پاسخ طلائی و تاریخی شاهزاده رضا پهلوی به منشور نویسان

در پاسخ به پرسش هایی که این روزها شخصا از شما هم میهنان، فعالان و زندانیان سیاسی، و خبرنگاران رسانه ها دریافت کرده ام، ارائه توضیحات زیر را لازم و ضروری می بینم:

هدف، کوشش و ترجیح همیشه این بوده که حداکثر نیروهای سکولار و دموکراسی خواه از طیفهای مختلف با هم همکاری کنند. اما بر سر پیوستن چهره های پیشنهادی به گروه منشور، اجماع به دست نیامد. با وجود این، من خودم را فقط به حمایت و همکاری با یک گروه محدود نکرده ام، و همچنان در نقش مشوق و پشتیبان، بی طرفی نسبت به همه گروه ها را حفظ خواهم کرد.

در همین راستا، من به حمایت و همکاری با سایر گروه ها و جریان ها نیز پیرامون اصول حداقلی مشترک: دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، تمامیت ارضی ایران، و انتخاب شکل حکومت آینده با رای ملت ایران، ادامه خواهم داد. هدف این است که همه این تلاش ها در نهایت به آزادی و آبادی ایران منتهی شود.

اسداله نصر اصفهانی

چون درباره مجلس موسسان و همه پرسی در برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌های دیگر سخن بسیار رانده می‌شود، وظیفه ملی و میهنی ایجاب می‌کند که انواع مجلس موسسان و همه پرسی به بحث و نقد گذاشته شوند و آگاهی‌های لازم پیش از براندازی در اختیار ملت بزرگ ایران قرار گیرد.

آنچه در این نوشتار آمده نظر شخصی نویسنده است و ممکن است تمام یا بخشی از آن با نظر میهن پرستان و پژوهشگران دیگر هم‌آهنگ نباشد. آشکار است تا زمان سرنگونی رژیم فرصت باقیست که همه مبارزان به نقد یکسویه بسنده نکرده نظرو پیشنهاد عملی خود رانیز به آگاهی عموم برسانند تا ملت راهکار مناسب با منافع ملی را با توجه بنظرپژوهشگران برگزیند. همانگونه که همگان آگاهی کامل دارند مجلس موسسان مجلسی است که نمایندگان آن معمولاً مستقیم و بی واسطه از سوی ملت برگزیده می‌شوند تا قوانین پایه ای و اساسی کشور را تدوین یا قانون اساسی موجود را بر اساس نیازمندی‌های روزدر بند های مشخص اصلاح و ترمیم کنند. مصوبات این مجلس پایه اساسی برای تدوین تمام قوانین عادی اعم از مدنی، جزایی، آیین دادرسی کیفری، آیین دادرسی مدنی، تجارت و مانند آنهاست. هیچ قانون عادی نمیتواند مخالف اصول یاد شده در قانون اساسی به تصویب برسد. برای نمونه چنانچه در قانون اساسی برای پیگرد قانونی پژوهکاری بدهکار روش اتهامیه تعیین شده باشد ولی در قانون آیین دادرسی کیفری طریقه تفتیشیه به تصویب برسد این مصوبه غیرقانونی و باطل و غیر قابل اجراست. در طریقه تفتیشیه که در قرون وسطا در جهان و در اروپا معمول بود هرگاه یکی از شهروندان متهم به ارتکاب جرمی به ویژه جرائم دینی می‌شد اثبات بی گناهی به عهده متهم بود و چون عملاً این کار مقدور نبود بسیاری از بی گناهان به چوبه دار و سوختن در آتش محکوم می‌شدند. (نمونه اسطوره ای آن عبورسیاوش از روی آتش برای اثبات بیگناهی خود بود). در طریقه اتهامیه اثبات گناهکاری یا بدهکاری بر اساس اصل برانته به عهده کسی است که شهروند دیگری را متهم به ارتکاب جرم یا بدهی مالی می‌کند. در قوانین حاکم برکشور از زمان مشروطیت تا پیش از شورش ۵۷ روش انسانی و منطقی اتهامیه لااقل در موارد اتهامات غیر شرعی اعمال می‌شد. ولی پس

از برقراری رژیم غیرقانونی و غیر انسانی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه این روش به کلی کنار گذاشته شد و کفایت جرمی به وسیله قاضی شرع بدون هیچ مدرک و دلیلی اعلام گردد. در این دوره اثبات اینکه متهم محارب با خدا یا مفسد فی الارض نیست بعهده متهم واگذار شد که هیچ راهی برای اثبات بیگناهی وجود ندارد. تا آنجا که خمینی با وقاحت و بی شرمی کامل ادعا کرد:

«این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند، بلکه جرمشان محرز است، باید فقط هويت آنها را ثابت کرد و بعد آنها را کشت. اصلاً احتیاج به محاکمه آنها نیست. هیچگونه ترحمی درمورد آنها مورد ندارد. اگر ما اینها را نکشیم، هر یکی شان که بیاید بیرون می‌رود آدم می‌کشد. با چند سال زندان کار درست نمی‌شود. این عواطف بچه گانه را کنار بگذارید.»

انواع همه پرسی

همه پرسی و تشکیل مجلس موسسان چهار گونه اند: **نوع نخست** - در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی از ملت نظر خواهی شود آیا مایلند جمهوری اسلامی تغییر یابد یا جمهوری اسلامی خواسته های آنها را تامین میکند. این اندیشه از زمانی که محسن سازگارا پس از صدور از ایران و آموزش های لازم در اسرائیل ناگهانی و یکباره در فضای سیاسی اپوزیسیون در خارج از کشور ظاهر شد، بحث غالب اپوزیسیون گردید. محسن سازگارا از پایه گذاران سپاه پاسداران با این ادعا که بخشی از سپاه پاسداران را در اختیار دارد و یاز وی حرف شنوی دارند و منابع مالی فراوان به همراه آورده بکلی عقل اوپوزیسیون را دزدید و آنرا از مسیر عادی خود منحرف و عملاً متوقف کرد. در نتیجه سه سال تمام وقت اوپوزیسیون به بیراهه رفت. آشکار بود که همه پرسی در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی، حتا با نظارت سازمانهای بین المللی، خود فریبی و مردم فریبی است و بهره کار از پیش معلوم است. در مخالفت با این طرح که با خواست ملی و تاریخی ایرانیان نا سازگار بود از سوی میهن پرستان باورمند به نظام پادشاهی یا جمهوریخواهان هشدارهای سیاسی داده شد و در برنامه های رسانه های همگانی مورد انتقاد شدید قرار گرفت و با کوشش همه سویه میهن پرستان کنار گذاشته شد. ولی شور بختانه هنوز این نوع همه پرسی که به رفرا ند م سازگارا شهرت دارد هر چند گاه یکبار به میدان مبارزه وارد میگردد که به هیچ روی خریداری ندارد.

نوع دوم - پس از براندازی ابتدا مجلس موسسان تشکیل شود و سپس همه پرسی انجام گیرد. فشرده این روش که شاهزاده رضا پهلوی و تا حدودی منشورنویسان بیشتر به آن تمایل دارند این است که

ابتدا مجلس مؤسسان تشکین شود و سپس این مجلس چند قانون اساسی بنویسد و برای نظرخواهی یاهمه بررسی به رای ملت واگذار شود. این روش که به تعیین نوع سامانه براساس صندوق رأی شهرت دارد و بسیاری از میهن پرستان آنرا طوطی وار میپذیرند. چند ایراد اساسی دارد:

۱- انتخابات مجلس مؤسسان مورد نظر بر اساس کدام قانون باید انجام گیرد؟

۲- چون پادشاهی خواهان که بر اساس نظرسنجی های اخیر در ایران اکثریت دارند در دوره شاهان پهلوی و سایه گسترده امنیتی آنها پرورش یافته اند و با اتکا به این که مملکت پادشاهی دارد که حافظ حقوق همه باورمندان سیاسی و همه طبقات اجتماعی هستند، هیچگاه نیاز به تشکیلات سیاسی برای حفظ حقوق اولیه خود نداشته اند ولی سازمان های مخالف رژیم از جمله مجاهدین خلق، فدائیان اکثریت، فدائیان اقلیت و حزب توده و دیگر چپ گرایان و گروه سیاه کل و طرفداران جزئی از پیش از شورش ۵۷ به سازماندهی و ایجاد تشکیلات پرداخته اند و با وجود اینکه اقلیت را تشکیل میدهند بلافاصله پس از براندازی در برابر اکثریت یعنی مشروطیت خواه و پادشاهی خواهان پارلمانی فعالیت مبارزاتی خود را برای بدست آوردن اکثریت در مجلس مؤسسان آغاز کرده و با روشهای تشکیلاتی خود پیروز خواهند شد و از همان روز نخست تشکیل مجلس مؤسسان دورنمای حکومت آینده رقم میخورد که به احتمال زیاد پادشاهی پارلمانی نخواهد بود.

نوع سوم که مطلوب ترین بنظر میرسد بدین گونه است که ابتدا همه بررسی انجام گیرد و مجلس مؤسسان برای شکل حقوقی دادن به نتیجه همه بررسی که به احتمال بسیار زیاد پادشاهی پارلمانی خواهد بود تشکیل شود. در اینصورت مجلس مؤسسان به خلاف روش دوم حق تعیین نوع نظام آینده را ندارد ولی میتواند در قالب نتیجه هم بررسی اصول قانون اساسی موجود را به روز در آورد. **نوع چهارم**- تداوم قانون اساسی مشروطیت و تشکیل مجلس مؤسسان بر پایه این قانون بدین گونه که چون قانون اساسی جمهوری اسلامی به دلایل زیر از دیدگاه حقوقی باطل است:

۱- بر اساس اعتراف صریح خمینی در برابر پرسش مهدی بازرگان نخست وزیر منصوب خودش که شما در پاریس چگونه ای دیگر صحبت میکردید و اکنون به خلاف آن عمل میکنید پاسخ داد: « خدعه و تزویر کردم و برای برقراری اسلام و حفظ آن هرگونه فعالیتی جایز است و اگر لازم باشد حاکم شرع و حاکم اسلامی و ولی فقیه میتواند دستور تخریب مسجد را بدهد، نماز و روزه را تعطیل و خمس و زکات را متوقف کند.»

باین استدلال که چون همه بررسی سال ۵۸ بر پایه و تزویر بنا شده **قانون اساسی جمهوری اسلامی از اساس باطل است**

۲- همه بررسی برخلاف انتخابات آزاد و محرمانه بودن صورت گرفته و با گذاردن دو صندوق سبز و قرمز و در کنار سر نیزه آرا به صندوق ها ریخته شده

۳- چون در تاریخ همه بررسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته نشده بوده مردم در واقع به مجهول رأی داده اند و رأی به مجهول باطل است. پشیمانان ظاهری و واقعی از شرکت در شورش ۵۷ بارها اعلام کرده اند که نمیدانسته اند که به چه چیزی رأی میدهند.

۴- تعداد آرای اعلام شده حدود ده هزار بیش از تعداد واجدین شرایط برای رای دادن بوده است

۵- شمارش آرا در مدت اعلام شده ناممکن بوده

۶- پادشاه هیچگاه حتی در بدترین شرایط از پادشاهی استعفا نداده اند.

۷-.....

۸-.....

با پذیرش این حقیقت که بعلت باطل بودن همه بررسی موجودیت جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن باطل است و با توجه به اینکه قانون اساسی مشروطیت بصورت ضمنی یا صریح لغونشده بنابراین پس از براندازی، قانون اساسی مشروطیت که با خدعه و تزویر **متوقف** شده به حیات حقوقی خود ادامه میدهد و تمام قوانین عادی که در پیش از شورش ۵۷ حاکم و جاری بوده اند نیز کماکان جاری خواهند بود.

چنانچه تغییراتی در قانون اساسی لازم باشد بر اساس اصل الحاقی به متمم قانون اساسی، مجلس مؤسسان تشکیل میشود و اصلاحات ضروری را انجام خواهد داد. موادی از قانون اساسی که نیاز به اصلاح دارند از سوی صاحب نظران اعلام خواهند شد ولی پیش از آن اصولی که از دید نویسنده نیاز به تغییر فوری دارند اصول اول و دوم متمم قانون اساسی مشروطیت یعنی داشتن مذهب رسمی و وجود هیئت ۵ نفری برای تطبیق مصوبات مجلسین با قواعد اسلام و همچنین اصول دیگری هستند که در آنها صریحاً یا بطور ضمنی به شرع اسلام رجوع داده میشوند. همچنین حذف شرط «مذکر بودن ولیعهد». همزمان باید بر پایه نهاد شاهنشاهی اصلی به آن فزوده شود که با نداشتن مذهب رسمی، تمام باور های دینی شخصی تلقی میگردند و مورد احترام و تأیید میباشند و مردم حق دارند به اعتقادات خود در چارچوب قانون عمل کنند. پایان

اسداله نصر اصفهانی

۱۹ آوریل ۲۰۲۳

نام ایران

کوروش اهورایی - ازایران

دوستان و یاران و آزادیخواهان درود

امروز در سی ام فروردین ۲۵۸۲ شاهنشاهی ما در حال تماشای یک رخداد خجسته هستیم که همانا سفر دلاورانه شاهزاده رضا پهلوی به سرزمین یهود یا اسرائیل می باشد و این بهانه برای من سبب ساز شد تا درباب سیاست ورزی و جایگاه نهاد پادشاهی در فردای پیروزی نزدیک انقلاب (زن زندگی آزادی) سخنی را با اندیشمندان مطرح کنم نخست آنکه بی گمان سفر شاهزاده به اسرائیل گذشته از مقاصد ظاهری درباب احترام به کشته شدگان هولوکاست و همفکری برای محیط زیست آینده ایران، سفری برای یارکشی در قالب سیاست ورزی هوشمندان و شجاعانه است.

همه می دانیم که سفر به اسرائیل چه قبل و چه پس از شورش ۵۷ یک امر خطرناک و تابویی ترساننده تلقی می شد و سفرکننده می دانست که پس از این رویداد باید خود را آماده تیرهای کین آلوده و تهمت های بیشمار از سوی ژاژخواهان کند زیرا روشنفکران غرق در چپ گرایی یا ملی گراهای اسیر در افیون دین و هر آن کسانی که خود را دانا و مردم را نادان می دانستند از این سفر برای عقده گشایی و تهمت افزایی بر علیه مسافر استفاده خواهند کرد و شاهنشاه آریامهر هم نه اسرائیل را در آن زمان لایق این سفر و نه خود را شایسته این حملات ندیدند و تابویی بنام سفر به اسرائیل بر ذهن ما حاکم بود تا با سفر شاهزاده کنونی و شاهنشاه آینده شکسته شد و در حقیقت این امر نخستین سفر یک ایرانی با رتبه بسیار بالا به سرزمین یهود می باشد.

بدون رودرواسی باید بگویم اسرائیل کشور بسیار مهمی در خاورمیانه و دنیای غرب می باشد و این حکومت دارای توانایی های بسیار فراتر از ظرفیت واقعی خود است.

اسرائیل سررشته بسیاری از نهادهای مالی و سیاسی و رسانه های بزرگ جهان را در دست دارد و یارکشی بسوی این کشور بی گمان عملی بخردانه می باشد.

شاهزاده با این سفر نشان داد، آگاه است که باید دامن خاندان پهلوی که بسیار سپید و بی خدشه است را در معرض نقد قرار دهد و نترسد از دشنام و تهمت و تخطئه که سیاست ورزی یعنی جدل و سرشاخ شدن با پیریان و دیوان و کشتی گرفتن با تک شاخ ها و البته

خوکها و نترسیدن از آلوده شدن لباسها، که برای تحصیل منافع ملی می توان در قعر جهنم هم با خود شیطان گفتگو و داد و ستد کرد.

و اما سخن بعد درباب این باور خواستاران نهاد پادشاهی می باشد که می گویند شاهزاده بنا بر قانون اساسی مشروطه هم اکنون شاهنشاه قانونی ایران هستند و باید پس از سقوط رژیم کنونی بر تخت بنشینند پایه این سخن بر این اصل استوار است که قانون اساسی مشروطه هنوز جاری و زنده بوده و به دلیل شورش سال ۵۷ از سوی اقلیت و بی تفاوتی اکثریت به عقب رانده شده اما نمرده است همه پرسشی آری به جمهوری اسلامی هم چون ملو از تقلب بمانند تمامی همه پرسشی های ۴۴ سال گذشته بوده، در نتیجه باطل می باشد.

پس بنا بر قانون اساسی مشروطه و بنا بر سوگند شاهزاده پس از فوت پدر تاجدارشان که در حضور جمع و بویژه نایب السلطنه یعنی شهبانو فرح پهلوی ادا شده است، شاهزاده هم اکنون بعنوان رضا شاه دوم یا پهلوی سوم شاهنشاه ایران در قالب حکومت مشروطه می باشند. باید گفت که از نظر حقوقی این ادعا کاملاً قابل اعتنا و اعتبار و صحیح است اما به باور من باید مردم بفهمند که شاه سپر مردم در برابر حکومت است و بدانند در کشور ایران بدون شاه در کشاکش حکومت ها و سیاست مداران گردن کلفت موضع ضعیفی دارند و دریابند که شاه را باید بخواهند تا مستقر شود و از این نهاد پادشاهی باید با تمام وجود دفاع کنند زیرا نفع عمومی ایرانیان در وجود یک نهاد پاسدار کیان ایران با قدرت نظارتی مکفی برای مقابله با کژ روی حکومت ها است هنگامی که ایرانیان از آماده خوری دست بردارند، آنگاه نهاد پادشاهی مستقر می گردد.

شاهنشاه فقید به همین دلیل ایران را ترک کردند زیرا اکثریت خاموش برای دفاع از خود و نهاد ساخته پدران خود حرکتی درخور انجام ندادند پس آن شد که همگان دیدیم و اهریمن بر ایران چیره شد و هم اکنون هم ضحاک وار در حال خوردن مغز جوانان مان است.

حال چگونه می توان این خواست مردمی را پایدار و نمایان ساخت؟ بی گمان رجوع به همه پرسشی پس از سقوط رژیم کنونی بنا به فرمان رضا شاه دوم می باشد تا ما و جهانیان بدانیم چه خواسته ایم و چگونه از این خواسته خود پاسداری خواهیم کرد و نیز پایان سخن هم بدانید انقلاب مشروطه کنشی برای پاسداری از سپر ملت یعنی شاه بود که از سوی پدران ما انجام شد و ما باید آن را با واکنشی درست به سرانجامی نیک برسانیم

جاوید ایران جاوید مردم ایران جاوید شاه

نظم پادشاهی موروثی و مخالفان آن

دکتر سعید احمدی

در نتیجه برابر کردن نظام پادشاهی با ستم شاهی، صرفاً از یک ذهن ناتوان، ناآگاه و مغرض بر می آید. گوئی این مخالفان و دشمنان، حکومت های جمهوری دیکتاتوری و فاسد و بعضاً موروثی که در جهان وجود دارد را نمی بینند. دو نمونه فعلی این جمهوری ها، جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) و جمهوری عربی سوریه می باشد، که هر دو حکومت های جمهوری موروثی دیکتاتوری هستند.

در مورد ایراد دوم، یعنی موروثی بودن نظام پادشاهی پارلمانی، باید گفت که در یک ساختار دموکراتیک که پایه و اساس نظام حکومتی، بر مبنای حکومت قانون (Rule of Law) باشد، موروثی بودن یا نبودن اصل مهمی نیست. مثال بسیار اخیر آن، درگذشت ملکه انگلستان و جایگزینی پادشاهی آن کشور با ولیعهد (چارلز) به هیچ وجه حرکتی بر علیه حق تعیین سرنوشت سیاسی و یا عدم امکان دسترسی مردم به دموکراسی نبود. در یک ساختار لیبرال دموکراسی، که احزاب سیاسی، مطبوعات و رسانه های آزاد و جامعه مدنی پیشرفته و توسعه یافته وجود دارد، نه تنها اصل موروثی بودن هیچ حقی را از مردم نمی گیرد، بلکه تداوم نظم اداری و سیاسی کشور امکانات زیادی را برای پیشرفت جامعه و حفظ اقتدار ملی و ایجاد وحدت و یکپارچگی سرزمینی ایجاد می کند. بخصوص در کشورهایی که جامعه پیچیده و متنوع دارند (مقایسه پادشاهی موروثی اسپانیا و جمهوری پرتغال). در پادشاهی موروثی، هنگامی که پادشاه بمیرد، استعفاء دهد و یابرنکار شود، فرزند بزرگتر او (در برخی قوانین اساسی، فقط پسر بزرگتر، در برخی دیگر پسر یا دختر بزرگتر) جانشین پدر خواهد شد. گاهی اتفاق افتاده که تاج پادشاهی، به برادر، خواهر یا فامیل درجه یک پادشاه رسیده است. بطور تاریخی، روش های مختلفی برای جانشینی پادشاه استفاده شده.

۱ - **Agnatic** - انتقال پادشاهی فقط به فرزند پسر یا برادر و یا فامیل درجه یک مذکر، در این سیستم زنان نه میتوانند انتخاب شوند و نه میتوانند پادشاهی را به مردان منتقل کنند.

۲ - **Cognatic** - انتقال پادشاهی به فرزند پسر یا دختر و یا مسن ترین فرد خاندان پادشاهی صرف نظر از جنسیت. در پادشاهی سوند حتماً برابر با قانون فقط فرزند اول پادشاه (پسر یا دختر) که واجد شرایط پادشاهی باشد، پس از پادشاه سوند، شاه می شود. در برخی کشورها مانند انگلستان که پادشاه یا ملکه در عین حال رهبر کلیسای انگلستان هم هست، جانشین آنها به لحاظ مذهبی نمیتواند عضو کلیسای رومن کاتولیک باشد. انتخاب رهبران مذهبی کلیسای انگلستان با ملکه یا پادشاه است.

در پادشاهی های موروثی، بخصوص در دوران باستان

پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران، ترس و وحشت خمینی و سایر نیروهای ارتجاعی چپ و راست از بازگشت نهاد شاهنشاهی، آنان را واداشت که ادبیات سیاسی خاصی را در برابر ساختار نظام شاهنشاهی ایران ابداع کنند و به خیال خام خود، نظم شکوهمند پادشاهی ایران را به عنوان نظمی ارتجاعی و ظالمانه جلوه دهند. خمینی و هم پیمانان مرتجع او، از ترس بازگشت نظام پادشاهی به ایران، کوشیدند واژه ای بنام "ستم شاهی" را به جای واژه شاهنشاهی، روانه ادبیات سیاسی ایران کنند. در پی این حرکت عوام فریبانه، موارد دیگری نیز به گفتمان مرتجعین چپ و راست افزوده شد و ایراداتی از جمله حکومت موروثی، به منزله نادیده گرفتن حق طبیعی انتخاب مردم است و یا بکار بردن واژه عوام فریبانه "اسپریم برتر" کوشش نمودند اصل موروثی بودن حکومت مشروطه پادشاهی را مورد نکوهش قرار داده و آنرا حکومتی فاقد وجهه ملی و دموکراسی قلم داد کنند. موضوع سوم که توسط رسانه چپ های مزدور و مزد بیگیران بیگانه مرتب در ذهن ملت ایران تبلیغ کرده اند، موضوع عدم برگشت حکومت پادشاهی پس از فروپاشی آن است. در این مقاله سعی شده است به هر سه ایراد غیر منصفانه به شکل بسیار کوتاه پاسخ داده شود.

نخست آنکه واژه پادشاه، ترکیب شده از پاد و شاه است. پاد به معنی نگهبان، پاسبان و پانیدن است (لغت نامه دهخدا) و شاه به معنی بزرگ، اصل، دارنده تخت و اورنگ (لغت نامه برهان قاطع). لذا پادشاه که در زبان پهلوی "پاتخشای" یا "پاتخشاه" و در پارسی باستان "پتی خشای" آمده است به معنی نگهبان و نگهدارنده بزرگ است. در نتیجه آن شخصی که نقش اصلی اش، حفظ و نگهبانی کشور است، چگونه میتواند نسبت به مردم و کشور بی اعتنا باشد و بخواهد و یا بتواند کشور را با ظلم و ستم و سهل انگاری اداره کند. البته در ادوار مختلف تاریخی، چه درکشور ایران و یا در کشورهای دیگر جهان، سلاطینی آمده اند که روش فرمانروایی آنان منطبق با رسم پادشاهی نبوده است، اما در کل بسیاری از همان ملت ها با همان سلاطین، به دلیل ادامه فرمانروایی و تمرکز قدرت توانسته اند به حیات خود ادامه دهند، بخصوص در مورد کشورهایانی که دارای موزائیک سیاسی اجتماعی پیچیده و تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی بوده اند.

موضوع ارشدیت اهمیت زیادی داشت که طبیعی هم هست، شخص مسن تر میتواند تجربیات بیشتری داشته و آموزش بیشتری برای پادشاهی دیده باشد. **پادشاهی انتخابی**، نوعی از پادشاهی است که شاه نه از طریق وراثت، بلکه از طریق انتخاب تعیین میشود. طریقه انتخاب پادشاه، میزان آمادگی و صلاحیت شخصی که کاندید شده و همچنین کسانی که رای برای انتخاب میدهند در سیستم های مختلف، متفاوت است. عمدتاً کاندید از خانواده سلطنتی است. در برخی موارد خاص، انتخاب پادشاه از خاندان سلطنتی نبوده. امروزه تقریباً تمامی پادشاهی ها موروثی هستند. در پادشاهی های باستانی، گاهی سران نظامی و در بیشتر موارد شورای بزرگان و نخبگان، شاه را تعیین میکردند. پس از انقلاب شکوهمند انگلستان، پارلمان انگلیس، پادشاه را تائید میکرد. بسیاری از کشورهای اروپایی در دوران باستان دارای سیستم پادشاهی انتخابی بودند که کم کم آنرا به پادشاهی موروثی تغییر دادند زیرا در عمل متوجه شدند که پادشاهی های موروثی مزایای بیشتری بر پادشاهی های انتخابی دارد. پس از این شرح مختصر در باره تاریخچه پادشاهی های موروثی، نگاهی داشته باشیم به برخی مزایای حکومت پادشاهی بر جمهوری. در پادشاهی، شاه وابسته به هیچ حزب و گروهی نیست و چنانچه اختلافی در میان احزاب و گروه های سیاسی پدید آید و موقعیت سیاسی کشور به خطر بیافتد، این شخص پادشاه است که میتواند با میانجیگری، مشکلات را حل کند. مزیت دیگر پادشاهی این است که شخص پادشاه یا ملکه می تواند بعنوان سمبل همبستگی و انسجام کشور، اصل وحدت ملی را محقق سازد، بخصوص در کشورهایی که دارای تنوع فرهنگی، قومی و زبانی هستند. پادشاهی بر خلاف جمهوری که هر چند سال یکبار تغییر می کند، یک روند ممتد است، لذا در درازای زمان، پادشاه دارای تجربیات سیاسی زیادی می شود که یک سرمایه گران بها برای کشور است. پادشاه با حفظ وحدت ملی، در واقع قدرت کشور را یکپارچه می کند، بطوریکه در دوران های سختی و یا جنگ همه واحدهای قومی، مذهبی، زبانی، سیاسی و فرهنگی به شکل یک ملت واحد و منسجم به دفع دشمن میپردازند. ایراد دیگری که مخالفین پادشاهی مشروطه موروثی به آن وارد می کنند، این است که جانشین پادشاه ممکن است استعداد کافی برای رهبری کشور و یا از نظر جسمی و روحی توانمندی قبول مسئولیت را نداشته باشد. در پاسخ به این گروه از مخالفان پادشاهی، باید

گفت که در قانون اساسی کشور همه این مسائل میتواند ذکر شود و چنانچه شخص کاندید واجد صلاحیت نباشد، به موجب قانون اساسی، شورای سلطنت یا هر شورای دیگری که در قانون اساسی پیش بینی شده است، می تواند شخص دیگری را انتخاب نماید. انتقاد دیگر مخالفان مشروطه پادشاهی این است که در سلطنت موروثی مردم حق انتخاب رهبر خود را ندارند. در نتیجه همان شیوه قدیمی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی ادامه پیدا می کند. در این مورد باید گفت که در پادشاهی های پارلمانی، یا مشروطه سلطنتی، اساس حکومت بر پایه حق رای مردم و خواست آنان از طریق شرکت در انتخابات و گزینش نمایندگان خود در پارلمان و دولت است. لذا این دولت است که اداره امور مملکت را در دست دارد و در یک ساختار لیبرال دموکراتیک، مردم کاملاً در امور سیاسی خود حق تصمیم گیری و اظهار نظر دارند. وجود احزاب مختلف، و رسانه های آزاد و حق آزادی بیان، به مردم اجازه میدهد که سرنوشت سیاسی خود را خود تعیین نمایند. امروز در کشورهای لیبرال دموکرات، نهادهای مدنی از یک سو، رابط میان طبقات و قشرهای مختلف اجتماع و از سوی دیگر رابط میان مردم و دولت ها هستند و صدای شهروندان در تمام سطوح سیاسی اجتماعی شنیده میشود.

لذا این بحث که حکومت های مشروطه پادشاهی یا پادشاهی های پارلمانی چون موروثی هستند ناقض حق طبیعی مردم در انتخاب و تعیین سرنوشت سیاسی خود می باشند، بطور کلی بی اعتبار است، زیرا اگر مقصود این منتقدان ماهیت دموکراتیک حکومت باشد، که نمونه پادشاهی در کشورهای مختلف مانند دانمارک، هلند، و سوئد هست و نمونه های جمهوری های لیبرال دموکرات در فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده وجود دارد. در کشورهای رنگارنگی زبانی، قومی و مذهبی هستند، ساختار حکومت پادشاهی پارلمانی بر حکومت جمهوری به لحاظ حفظ وحدت و یک پارچگی کشور اهمیت دارد. نمونه این را در دو کشور همسایه اسپانیا و پرتغال می بینیم. در عین حال جمهوری بخودی خود میتواند دموکراتیک نباشد و حتی به شکل جمهوری های موروثی و کاملاً توتالیتر باشند. مانند جمهوری دموکراتیک خلق کره (شمالی)، جمهوری کوبا و جمهوری خلق چین

پس اگر منطقی بیاندیشیم و حفظ یک پارچگی کشور و وحدت ملی برایمان مهمتر از اسم حکومت باشد، حکومت مشروطه پادشاهی برای ایران با توجه به مختصات فرهنگی، سیاسی، اقلیمی، قومی و زبانی، حکومتی ارجح و قابل احترام است. پایان

دکتر سعید احمدی

وقایع تاریخی صدسال اخیر

از زهر اصفهان تا نور - حزب بان اراست

ملت ایران در طول صدسال گذشته ناظر بر دو حکومت بوده است در ۵۷ سال نخست روی کار آمدن پادشاهی پهلوی را و در ۴۳ بعد از آن رژیم جمهوری اسلامی را تجربه کرده است

اوضاع ایران در زمان روی کار آمدن رضا شاه

در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ روزی که سردار سپه رضا شاه بزرگ به تهران آمد نیمی از جمعیت ۲۰ میلیونی ایران بر اثر طاعون و حصبه و وبا و امراض گوناگون جانشان را از دست داده بودند کشته ها انباشته رویهم در خیابان ها بود و مسوولی که اجساد مردگان را از خیابان جمع کند وجود نداشت آنان هم که زنده مانده بودند گرفتار افیون و اعتیاد و بیماری های مقاربتی سیفلیس و سوزاک شده بودند از سویی کشور در دست باغبان و آشوبگران اداره میشد. در ایران نه امنیت بود نه سلامت ، نه قانون و نه دولتی که بر اوضاع کشور نظارت داشته باشد. رضا شاه در کمتر از ۲۰ سال برای رفع بیماری مردم شفاخانه ساخت بیمارستان لقمان ، طرفه ، هزار تخت خوابی ، سینا ، نجمیه ، امیر اعلم ، فارابی از خدمات این مرد بزرگ بود بدهکاری دولت و پادشاهان قاجار را به بانک های روس و انگلیس پرداخت کرد تا دست استثمار و استعمار را از سر ایران دور کند دانشگاه ساخت و از فرانسه متخصصان ایرانی را به ایران آورد تا پزشکی تربیت کنند دانشگاه جندی شاپور اهواز ، شیراز ، خواجه نصیر ، دانشکده هنرهای زیبا ، علوم اقتصادی ، دانشگاه افسری را بنا نهاد ، پادگانها را به بیرون از شهرها منتقل کرد ، جاده ها پلها و تونلها و راه آهن را ساخت ، شهربانی و پزشکی قانونی و دادگستری مستقل را تاسیس نمود بانک های سپه و ملی. آموزش و پرورش ، کشف حجاب از بانوان ، کوتاه کردن دست احتکار کنندگان و کم فروشان و ، سر و سامان دادن قناتها برای زیر بنای کشاورزی ، و تاسیس بانک کشاورزی از خدمات ارزنده او بود صنعت چاپ را به ایران آورد و برای آگاهی مردم بویژه دانشجویان ، کتابخانه ملی را تاسیس نمود برای اعتبار بخشیدن به ادیبان و شاعران ایران دستور داده شد تا بر مزار فردوسی حافظ سعدی. خیام. بابا طاهر. مقبره ساخته شود و این آثار ملی ثبت جهانی شدند.

با احترام به ادیان مذهبی حرم امام رضا در مشهد و خواهرش در قم را بازسازی کرد به احداث موزه های

هنر های زیبا ، موزه فرش ایران ، تالار رودکی فرمان داد ، تجزیه طلبان شمال و دیگر نقاط ایران را که بعد ها خود را آزادیخواهان نامیدند دادگاهی ، مجازات و سرکوب کرد ، اب آشامیدنی مردم را در سراسر ایران لوکه کشی کرد به پول ایران اعتبار بخشید رضا شاه همه این خدمات را کمتر از بیست سال آن هم با عدم امکانات مهندسی و تجهیزات امروز انجام داد ، تاسیس رادیو ، اداره ثبت احوال بیمه ایران. خبرگزاری پارس. تغییر نام وزارتخانه ها به فارسی تاسیس نساجی های مازندران اصفهان و دیگر منسوجات که در دوران محمد رضا شاه پهلوی با سرعت بیشتری توسعه یافتند بعد از روی کار آمدن اریامهر محمد رضا شاه پهلوی که باز ایران بعد از جنگ جهانی دوم دچار مخاطراتی شده بود بویژه اینکه مصدقیها و چپ ها دوباره سر بلند کردند و سعی داشتند مانع پیشرفتهای شاه جوان بشوند چون باز ماندگان غرب و شرق نمیخواستند پادشاهی پهلوی در ایران تداوم یابد اما پادشاه بسلامت از واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گذشت و از دهه چهل ایران با سرعت باور نکردنی بسوی پیشرفت و توسعه صنعتی ، کشاورزی ، آبیاری ، فرهنگی و سیاسی پیش رفت. در سال ۱۳۴۱ انقلاب شاه و مردم بر این تحولات افزود کارگران در سود کارنجات سهم شدند به بانوان حق رای و حق انتخاب شدن داده شد رفتن دختران به سرپازی بنام سپاه دانش و سپاه بهداشت و ترویج و آبادانی و سپاه انصاف که جایگزین ملایان در روستا شدند و این انقلاب با مخالفت روحانیت به رهبری آقای خمینی روبرو شد اما باز این غایله هم خنثی شد. تاسیس کارنجات ارج ، ذوب آهن اصفهان ، فولاد اهواز و مبارکه اصفهان ، ماشین سازی اراک ، تراکتور سازی تبریز ، ایران خودرو مشهد ، هلیکوپتر سازی ، کشتی سازی ، همه این پیشرفته ها کمتر از سی سال اتفاق افتاد و توانست بازارهای اروپا و آسیا و خاورمیانه را تسخیر کند روابط دوستانه توأم با احترام متقابل با کشورهای عرب ، همسایگان و فارسی زبانان . ریاست اوپک در صدور نفت و گاز از عوامل نگران کننده برای کشورهای اروپایی امریکایی گردید چون منافع اقتصادی خود را در خاورمیانه در خطر دیدند. و چنین بود که با تاسیس کنفدراسیون های دانشجویی در اروپا و امریکا زمینه

را برای مقابله با نظام پادشاهی در ایران را فراهم کردند و نتیجه اینکه پادشاه در دیماه سال ۱۳۵۷ ایران را برای یک سفر کوتاه ترک کردند. در دوره شاهنشاه اریامهر وسعت و توسعه و آبادانی و آباد سازی شهرها بسرعت پیش میرفت و در کمتر از ۳۵ سال ایران جلوتر از ژاپن و کره جنوبی پیشرفت علمی و صنعتی و تجاری و اقتصادی می یابد تا در جای ژاپن بنشیند

حاصل آمدن آقای خمینی به ایران ، بهمن سال ۱۳۵۷

حدود یک میلیون کشته و زخمی در جنگ عراق و خلیج فارس کشتن و شکنجه صدها هزار زندانی حدود ۱۲ میلیون نفر حاشیه نشین شدن در کنار شهرها با فقر و امکانات حداقلی حدود هشت میلیون آواره غربت، از بین بردن آزادی های اجتماعی بویژه تحمیل حجاب اجباری به بانوان تاسیس خانه های عفاف برای درآمد زایی آخوندیسم که زنان هموطن ایرانی را به صیغه مردان زوار عرب در آوردن و بجا نهادن هزاران کودک بی پدر بی شناسنامه در ایران فقر و فحشا و صادرات دختران ایرانی به کشورهای همسایه بیشترین آمار کودکان کار بیشترین آمار کارتن خواب و آمار بیماری ایدز بیشترین آمار افسردگی - طلاق-پیش از هفت میلیون جوان تحصیل کرده و بیکار دزدی اختلاس فروش اب و خاک و منابع طبیعی طلا و نفت و گاز به چین و روسیه عدم ازدواج بدلیل فقر و بی اعتمادی به آینده، بی اعتبار شدن پول رایج کشور و عزت ایرانیان در جهان بیشترین فرار مغزها تخریب و غارت آثار ملی.

حال دیکتاتور کیست؟ رضا شاه است یا ولی فقیه که مانع ورود واکسن به ایران میشود و هزاران هموطن بی گناه را تسلیم مرگ نا خواسته می کند؟ رضا شاه به زنان آزادی میدهد، اما ولی فقیه دستور آتش به اختیار میدهد تا زنان و دختران هموطن ما را بدون مجوز قانونی بخاطر دفاع از شرف و آزادی خود بواسطه برداشتن روسری از سر، آنها را میربایند و یا از راه هوا وزمین بر مدارس دخترانه گاز سمی میریزند و دختران را مسموم میکنند و صدایی از درون رژیم نه تنها بلند نمیشود که در تایید ولی فقیه جرم سازی هم میکنند برآستی باز ماندگان پنجاه هفت با این دلایل هنوز پاور دارند که رضا شاه مشروطیت را تعطیل کرد یا رضا شاه حکومت قانون را رعایت نکرد و رضا شاه و پسرش مستبد بودند و واقعه ۵۷ حاصل استبداد پهلوی بود.

میشود این همه خدمت را از پهلوی و تخریب را از رژیم جمهوری اسلامی دید و هنوز شما باز ماندگان در نشست های مطبوعاتی خود پادشاهی را خطرناک تر از رژیم اسلامی به ذهن مردم فرو کنید چون تفکر شما چونان رژیم جمهوری اسلامی برای استقرار حکومت جمهوری در ایران هیچ سنجیت و همانندی با تاریخ و فرهنگ و پادشاهی ایران ندارد.؟ یا بقول فروغی نمی خواهید بپذیر که اساس و پایه دولت واقعی بعد از چند قرن در زمان رضا شاه شروع شد.

و هنوز هم نمیخواهند ایران به پیشینه و اقتدار خود برگردد، باز میگویند رضا شاه مشروطه را تعطیل کرد رضا شاه دیکتاتور بود رضا شاه مستبد بود و با تکرار نا صواب و نادرست سعی دارید ذهن ها را از تفکر و اندیشیدن درست بازدارید!؟ و همان نسخه ۵۷ را با تغییر جزئی ادامه دهید تا هم دشمنان داخلی و هم بیرونی از شما خشنود باشند و با بیان جمهوری، دموکراسی، فدارالیسم سکولاریسم و معیار های غربی افکار عمومی را از ایرانی بودن خود دور کنید در حالیکه فراموش میکنید که چرا ملت ایران در سال ۹۶ در مشهد فریاد زد رضا شاه روحت شاد چون رضا شاه از خاندان شاهی نبود اما فلسفه رضا شاه که همان مردم سالاری بود را عملی کرد و نشان داد شاهنشاهی در ایران و دیعه ای از سوی ملت به او بوده است و رضا شاه و محمد رضا شاه بر وظایف پادشاه در ایران آگاه بودند و بدان عمل کردند چون میدانستند ترکیب ملت ایران چه از نظر جغرافیایی چه جمعیتی یک ترکیب وحدت یافته و جدایی ناپذیر است که اگر پادشاه در راس امور کشور نباشد چونان نمونه آن منشور مهسا کثرت خواه میشود نه وحدت خواه و بدنبال دولت غیر متمرکز ایران هستتید تا یکپارچگی وحدت نادیده گرفته و پاره پاره کنید و این آن فلسفه وجودی شعار رضا شاه روحت شاد است؟ «ایران که شاه ندارد حساب کتاب ندارد» در واقع خواست اکثریت ملت ایران تداوم قانون اساسی مشروطه یعنی ادامه پادشاهی پهلوی که نماینده بحق قانونی آن شاهزاده رضا پهلوی رضاشاه دوم است پس تلاش شما جمهوریخواهان در مقابل خواست ملت ایران اثری ندارد به جمع ملت بپیوندید

پاینده ایران و جاوید ملت ایران و فرمانروایی

پادشاهی در ایران

گرد آورنده زهرا صفارپور حزب پان ایرانیست
عضو نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایرانزمین

سفیر ادب ایران

از سعید حمزوی

**بنی آدم اعضای یک دیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی ببرد آورد روزگار
دگر اعضا را نماند قرار
تو گز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهد ادمی**

مشرف الدین اجدادش پدر پدر بزرگش مهاجر از فلات ایران بودند و به ایین مهر گرویدند. و در حاشیه شیراز که بعدها بنام سعد آباد نام گرفت

اقامت داشتند که بتدریج شد سعدیه . محلی آباد و اقامتگاه اهل معرفت ، انگیزه مصلح الدین به مسافرت سبب خوی در فامیل داشت و روحی که او را به مسافرت دور تر تشویق میکرد دانش و بینش بیش از حد و آگاهی از تجربه شخصی از او انسانی ساخته بود که در زمانش فرد بهتر از او وجود نداشت جایگاه او در ادبیات ایران مرجع درخشان قبل از سعدی فردوسی بود و بعد از سعدی سبک سعدی شد و آن چنان درخشید که از آن فرمان انسانیت بیرون آمد و دیوار سازمان مثل به آن مزین گردید . آموزش نقطه نظرهای سعدی نجات بخش بلکه بهترین پند زمانه است محتوای نور رستگاری از آموزگار توانای ایران و فخر جاودانه ادبی و نیروی حرکت بسوی پیروزی انسان بودن است . بخواهیم از او ما را در این دوران سخت یاری کند و راهنمای ایران باشد .

پاینده ایران

کزارشی از نظرات خوانندگان


گروه نویسندگان افتخار دارد که محتوای پیامنامه مورد عنایت خوانندگان خود بویژه در درون ایران واقع شده است انعکاس برخی نظرات رسیده از ایران :نوشته های نشریه شورای باز پس گیری پر مغز و پرمحتوا یی است ، بخصوص گفته های شاهنشاه اریامهر و پیشرفت های ایران در دوران پادشاهی پهلوی و آگاهی های تاریخی و سیاسی که سبب روشنگری میگردد.

در ضمن در جواب پرسش اینکه در شرایط کنونی ایران بعد از انقلاب مهسا نظر جامعه نسبت به حکومت آینده ایران چیست ؟ برخی جواب های رسیده از این قرار است . ماطرفداران خاندان پهلوی باید تا میتوانیم همدیگر را پیدا کنیم و با هم درارتباط باشیم ، در مورد خاندان پهلوی آنچه عیان است چه حاجت به بیان است . فداکاری و انسانیت خاندان پهلوی را ایرانیان فراموش نمیکنند و اگر کندی در اتحاد طرفداران شاهنشاهی در درون ایران است دلیلش زور بیشتر ظالمین و دشمنان این خاندان که همان دشمنان و مخالفان ما مردم ایران است.

بانوی دیگری میگویند:
نوشتار های پیامنامه بسیار عالی و پر معناست

عرض میکنم ما دست از تلاش بر نمی داریم و تا میتوانیم به هموطنانمان اطلاع رسانی می کنیم تا بهر طریقی طرفداری خودشان را برای باز پس گیری ایران و باز گشت خاندان شاهنشاهی پهلوی و تداوم قانون اساسی مشروطیت اعلام دارند.

همه ما میدانیم که این سرزمین صاحبش کسی جز ملت ایران و خاندان پهلوی نیست، به امید پیروزی نور

برتاریکی 

پیامهایی که از ایران می رسد بیشتر خواهان رهبری شاهزاده ، رضا شاه دوم دارد .

با سپاس از خوانندگان گرامی وپوزش از اینکه تنها به چند مورد اشاره شد به امید پیروزی ایران و ایرانی

گروه نویسندگان زهرا صفارپور ، محمود احمدی

پاینده ایران

نگهبانان نهادشاهی

اسداله نصر اصفهانی

بخش دوم

باورها و پایه های بنیادی نهاد شاهنشاهی ایران زمین

بر اساس نوشته ها و گفتارهای کوروش بزرگ و داریوش سوم و پادشاهان ساسانی و تاریخ نویسان و سنگ نوشته ها که بخشی از آنها استخراج شده اند به ویژه بر اساس نوشته ها و منشور کوروش باورها و پایه های بنیادی نهاد شاهنشاهی (به گونه فشرده بی تقدم و تاخر) از این قرارند

۱- عدالت و دادگستری

۲- حرمت انسانی (پذیرش اصالت فرد)

۳- بخشش و جذب پادشاهان ، فرمانروایان و مردم شکست خورده

۴- پایه گذاری حکومت و فرمانروایی در قلب انسانها از راه مهر و محبت و همبستگی ملی و نه برپایه زور و ستم

۵- برچیدن بساط برده داری (به دنباله آن برقراری مجازات برای برده داری از سوی رضا شاه بزرگ و لغو برده داری پنهانی سیستم ارباب رعیتی و برده داری جنسی زنان از سوی محمد رضاشاه با بهره گیری از اصول انقلاب سفید)

۶- ارج نهادن به همه باورها و ادیان و رسوم و آداب همه اجزای ملت (کوروش دستور داد زمانی که فرزندش کمبوجیه پادشاه بابل بشود مراسم تاجگذاری براساس روش کهن بابلیان انجام گیرد)

۷- برقراری رابطه انسانی بین سلطنت و ملت بر پایه « فر شاهنشاهی»

۸- بزرگترین و کار آمدترین نهاد که توانسته است در همه ادوار تاریخی از فروپاشی کشور جلوگیری و در چیرگی بر بیگانگان از آن بهره گیری کند

۹- نمایانگر برتری تمدن ایرانی و ایران گرایی بر سایر تمدن های دیرین
۱۰- با توجه به بند ۷ ایجاد مبنایی برای نبرد با

بیگانگان و آزاد سازی ایران

۱۱- به حداقل رساندن «سیستم طبقاتی» دوره های گذشته

۱۲- دگرگونی روش فنو دالیزم (که وجودش جبر زمان بود)

۱۳- برقراری آرمانهای بشر دوستانه

۱۴- نظام پیشرفته در برابر نظام فنو دالیزم و نظام کلان یا عشائری

۱۵- قرار دادن منافع اجتماعی یا ملی در برابر نفع شخصی و فردی

۱۶- در تضاد بین حکمرانان یا فرماندهان مملکت و فرمانبردار آن کشور یعنی اکثریت ملت ، مقبول ترین رابطه را برقرار می کند (به ویژه با توجه به به منشور تاریخی کوروش بزرگ)

۱۷-رها سازی مردم ستمدیده و پناهگاهی برای ستمدیدگان و بکار برد روش پدران نه مستبدانه

۱۸- برقراری سامانه ای متمرکز و توانا و مقتدر همراه با دادن اختیارات محلی به ساتراپهای برگزیده از سوی فرمانروایی مرکزی

۱۹- استثمار و مستعمره نکردن ملل مغلوب

۲۰- اهمیت دادن به محیط زیست

۲۱- بکار برد پیوسته گفتار نیک پندار نیک و کردار نیک

برای آشنایی بیشتر درباره هریک از باورهای یادشده بتدریج نوشتارهایی خدمت خوانندگان پیام نامه تقدیم خواهد شد. در این نوشتار به بخش کوچکی از باور به « دادگستری و عدالت » اشاره شده و چنانچه لازم باشد گسترده این نوشتار نیز پخش خواهد شد

دادگستری و عدالت در نهادشاهی

هخامنشیان که سرزمینشان در بالاترین گسترش شاهنشاهی نخستین و تنها حکومتی بود که همه جهان را برای بیش از دو سده یکپارچه کرد، ۸ میلیون کیلومترمربع وسعت داشت و ۴۴ درصد ساکنان جهان را در بر میگرفت و به نمونه پیروز برای اداره یک دولت جهانی درآمد و دستاوردهای آن چون حکومت متمرکز،

شود» در دوره هخامنشیان، باور همگانی بر این بود که اقتدار حقوقی و قضائی پادشاه منشأ الهی دارد که به شاهنشاه و اگذار شده است؛ بنابراین پادشاه بعنوان بالاترین و آخرین پایگاه دادخواهی ستمدیدگان مسنول برپایی، حفظ و دفاع از عدالت بود.

رشوه خواری

رشوه دادن و رشوه گرفتن را از جنایتهای بزرگ می شمردند و مجازات رشوه دهنده و گیرنده رشوه هردو اعدام بود

دادرسان (قضات) شاهی با توجه به قوانینی که از پدرانشان به ارث می بردند، داوری (قضاوت) می کردند.

اگر دادرسان شاهی رشوه می گرفتند، چنان تنبیه می شدند که در یادها بماند. درست کاری بویژه در رسیدگی به دعاوی و مبارزه با رشوه خواری آنچنان برای پایداری نهادشاهنشاهی اهمیت داشت که هرودوت می نویسد: کمبوجیه برای آنکه به درستکاری که یکی از پایه های استواری نهاد شاهنشاهی است کوچکترین آسیبی نرسد فرمان داد:

قاضی چیسمنه را، که با گرفتن پول حق را پایمال کرده بود پس از اعدام پوست کنند و با آن بندهایی چرمی درست کردند و بر صندلی قضاوت او کشیدند و کمبوجیه پسر چیسمنه به نام هوتانه را برای مقام قاضی شاهی به جانشینی او گمارد تا به یاد داشته باشد که برای داوری بر روی کدام صندلی نشسته است.

پایان

اسداله نصر اصفهانی

سیستم جادهای و پست، زبان رسمی، خدمات شهروندی و ارتش وسیع آموزش دیده و سازمان یافته، سر مشق کار دولتمداری از سوی بسیاری از امپراتوری های پسین و کشورهای بزرگ قرار گرفت و آزادی انسانها و باورهای دینی یاد شده در منشور کوروش پایه قانون اساسی آمریکا شد

یکی از پایه های بنیادین نهاد شاهنشاهی ایران زمین سازمان دادگستری و داوری و عدالت و ازین مایه های پیروزی و پایداری این نهاد بود. اداره چنین سرزمین پهناور با شهروندان گوناگون دارای آداب و باورهای دینی و سنتهای کهن شهری و قبیله ای جز با برقراری عدالت و روش داوری بسیار محکم و استوار زیر فرماندهی مقتدرانه و گاهی خشن و نظارت شاهنشاه امکان پذیر نبود.

کوروش بزرگ باورمند به عدالت میگوید: عدالت آنست که بر پایه قانون و حق باشد و هرچه از راه حق دوری جوید ستم و بی عدالتی است. قاضی عادل کسی است که حکمش را به اعتبار قانون و بر حق استوار سازد.

در عهد هخامنشی قضاوت و داوری زیر نظر شاه انجام می گرفت. مغان و پیشوایان مذهبی مجری قانون و مسنول صدور احکام دینی بودند.

شاهنشاه بالاترین مقام دادرسی (قضایی) کشور و آخرین پناهگاه ستم دیدگان بود. خود را نماینده اهورمزدا و پیشتیبیان مردم میدانست. همچنان که داریوش بزرگ در کتیبه پنجم بیستون میگوید من با اراده اهورا مزدا شاهم و در کتیبه دیگر اعلام میدارد « اهورامزدا حامی توانای من است و آنچه را که او به من امر می کند به دست من انجام و اجرا می

شورای بازپس گیری ایران زمین

میجنگیم میسیریم ایران را پس میگیریم



آدرس ایمیل شورا bazpasgiri1401@gmail.com

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

پیام نامه شماره ۸ شورای باز پس گیری ایران
شماره ۸ ۶ اردیبهشت ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۲۶ آوریل ۲۰۲۳ ترسایی
تلفنهای گروه نویسندگان: ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳
نوشتارهای این شماره:

- ۱- پاسخ طلائی و تاریخی شاهزاده رضا پهلوی به منشور نویسان
 - ۲- مجلس مؤسسان و همه پرسی
 - ۳- بنام ایران (مسافرت شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل)
 - ۴- نظم پادشاهی موروئی
 - ۵- وقایع تاریخی صد سال اخیر
 - ۶- سفیر ادب ایران
 - ۷- نظرات خوانندگان درباره پیامنامه
 - ۸- پایه های نهاد شاهنشاهی
- اسداله نصر اصفهانی
کوروش اهورایی- ایران
دکتر سعید احمدی
بانو صفارپور
سعید حمزوی
شورای نویسندگان
اسداله نصر اصفهانی



ولیعهد کجایی به دادایایی

رضا شاه روح ت شاد